

دو آیه‌ای که اثبات می‌کند ملائکه هم تکامل دارند



حجت‌الاسلام نورمحمدی، استاد دانشگاه ضمن اشاره به اینکه براساس قرآن و روایات، اغلب ملائکه مجرد هستند به توضیح درباره دو آیه از قرآن پرداخت که موید استکمال ملائکه است.

حجت‌الاسلام نورمحمدی، استاد دانشگاه ضمن اشاره به اینکه براساس قرآن و روایات، اغلب ملائکه مجرد هستند به توضیح درباره دو آیه از قرآن پرداخت که موید استکمال ملائکه است.

به گزارش ایکننا، کرسی نظریه پردازی با عنوان «تکامل ملائکه در قرآن» صبح امروز ۱۱ تیرماه با ارائه حجت‌الاسلام والمسلمین یحیی نورمحمدی، استاد دانشگاه ملایر در دانشگاه معارف اسلامی برگزار شد.

گزیده مباحث این جلسه را در ادامه می‌خوانید؛

در رابطه با بحث واژگانی، برخی کلمه «ملائکه» را جمع گرفتند و برخی هم مفرد. این کلمه در فارسی به فرشته و سروش تعبیر می‌شود. اینکه ماده اولیه «ملائکه» چیست محل اختلاف است که بر حسب هر کدام از ریشه‌هایی که برای آن ذکر می‌شود، معنای متفاوتی به دست می‌آید. ماحصل این بحث این است که ملائکه به دو گونه تقسیم می‌شوند برخی حیث رسالتی و پیغامبری دارند و برخی کارگزاران خداوند و مشغول تدبیر عالم هستند. جایگاه بالای ملائکه در قرآن

از نظر پیشینه شناسی باید عرض کنم بحث ملائکه از موضوعاتی است که در طول تاریخ بشر مورد توجه بوده و حتی طبیعیون که منکر ماوراء الطبیعه هستند ملائکه را به عنوان نیروهایی در عالم طبیعت قبول دارند. در هر صورت در ادیان الهی و غیر الهی شاهد حضور گونه‌هایی از موجودات که قابل تطبیق بر ملائکه هستند، هستیم. در اسلام مبحث ملائکه به صورت جدی مطرح است و ۷۳ مرتبه نام ملائکه در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است. همچنین در قرآن کارکردهای مختلفی برای ملائکه بیان شده است. ملائکه در قرآن جایگاه بالایی دارند به گونه‌ای که باور به ملائکه از شروط اسلام است و اگر کسی به ملائکه ایمان نداشته باشد کافر محسوب می‌شود.

در رابطه با ملائکه می‌شود چند بحث را مطرح کرد یکی حیث‌ها و گونه‌های ملائکه است. ما حیث‌های مختلفی از ملائکه با ویژگی‌های مختلف داریم. ما طیفی از ملائکه را داریم که قبل از پیدایش عالم طبیعت پدید آمدند. برخی ملائکه هم بعد از خلقت آسمان و زمین پدید آمدند. بحثی که مطرح می‌شود این است؛ ملائکه‌ای که بعد از خلقت آسمان و زمین خلق شدند مادی هستند یا مجرد؟ از آیات و روایت هم تجرد و هم مادیت ملائکه را می‌شود استفاده کرد. پس این طور نیست که همه ملائک مجرد باشند یا همه مادی باشند.

فلاسفه و عرفا در عالم اسلام و غیر عالم اسلام به بحث ملائکه ورود پیدا کردند و چنانکه که اشاره کردم این بحث، بحث پردامنه‌ای است، اختلاف هم فراوان است. یک بحث این است که آیا ملائکه امکان تکامل دارند یا ندارند. از نظر فلاسفه ملائکه مجرد هستند و به همین خاطر امکان تغییر و تکامل ندارند. پس اگر نگاه فلسفی داشته باشیم باید بحث تکامل و تغییر را نفی کنیم ولی ما ذهنمان را از مباحث فلسفی خالی می‌کنیم. فضای بحث ما نقلی است و می‌خواهیم بررسی کنیم آیا از قرآن می‌توانیم استفاده کنیم ملائکه استکمال دارند یا نه. دلالت قرآن به تجرد و تغییر ملائکه

نکته اول اینکه تجرد ملائکه از قرآن قابل استفاده است و شواهد بسیاری برای آن در قرآن آمده است. بر اساس قرآن و روایات اغلب ملائکه غیر مادی هستند. وقتی تجرد در ملائکه را پذیرفتیم و از آن طرف فلاسفه تغییر در مجردات را انکار می‌کنند، آیا از قرآن می‌شود استفاده کرد ملائکه دارای تغییر هستند؟ به نظر ما می‌شود از آیات متعددی از قرآن در این رابطه استفاده کرد. یکی آیه شریفه ۳۳ بقره است: «قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنَّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ» فرمود ای آدم ایشان را از اسامی آنان خبر ده و چون [آدم] ایشان را از اسماءشان خبر داد فرمود آیا به شما نگفتم که من نهفته آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌دانم؟ داشتید می‌دانم».

این آیه از آیات معروف قرآن است. خداوند متعال بعد از اینکه حضرت آدم را خلق کرد، اسما را به آدم تعلیم داد، بعد آنها را به

ملائکه عرض کرد. وقتی ملائکه علمشان را نسبت به اسما نفی کردند خدا به حضرت آدم خطاب می کند اینها را به اسما انبا (آگاه) کن. در اینجا می شود استفاده کرد ملائکه واجد علمی شدند که نداشتند. انبا به آگاهی گفته می شود که از قبل، انسان نسبت به آن اطلاع نداشته باشد. علم یک حقیقت مجرد است، ملائکه هم مجردند. بر اساس اتحاد عاقل و معقول، علم به جوهره وجود ملائکه اضافه شده و جوهره آنها در اثر این علم تغییر کرده لذا استکمال ملائکه از این آیه قابل استفاده است.

آیه دوم دنباله همین آیه است که در آن بحث جبران خطای ملائکه مطرح می شود. قبل از همین آیه خداوند خلقت آدم را مطرح می کند و می فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت [فرشتگان] گفتند آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد و خون ها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو [تو را] تنزیه می کنیم و به تقدیست می پردازیم فرمود من چیزی می دانم که شما نمی دانید».

در آیه بعد ملائکه می گویند: «قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ؛ گفتند منزهی تو ما را جز آنچه [خود] به ما آموخته؛ ای هیچ دانشی نیست تویی دانای حکیم». کلمه «سبحانک» در جایی به کار برده می شود که کسی خطایی مرتکب شده است. پس از ارتکاب این خطا، ملائکه توبه کردند و خداوند توبه آنها را پذیرفت و آنها را به جای خودشان بازگرداند که این هم نوعی استکمال را می رساند. به همین طریق ده ها روایت دلالت دارند ملائکه تکامل دارند. از جمله روایتی که می گوید ملائکه به واسطه ولایت اهل بیت(ع) ارتقای رتبه پیدا می کنند.